

برنامه‌های حال و آینده سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

در گفت‌وگو با علی اکبر اشعری رئیس سازمان

● **سید ابراهیم عمرانی**
رئیس کتابخانه دانشکده علوم دانشگاه تهران

■ حافظه جهانی و حافظه ملی دیجیتال از جمله اخباری است که به تازگی در تابلوهای اعلانات کتابخانه ملی نصب شده و شما هم در گفت‌وگوهایتان به آن اشاره کرده‌اید. لطفاً برنامه‌ها و اقدامات کتابخانه ملی را در این باره بیان کنید.

□ با تغییر فضای اطلاع‌رسانی و شکل‌گیری فضای وب، بسیاری از اطلاعات به صورت رقمی تولید و منتشر می‌شود. از سوی دیگر این ابزار جدید خود را در خدمت رسانه‌های قدیم‌تر مثل کتاب، نشریه و نظایر آن نیز قرار داده است، به صورتی که امروزه بسیاری از مراکز کتابخانه‌ای و آرشیوی در اندیشه تبدیل محتوای گنجینه‌های خود به شکل رقمی هستند. سازمان نیز از مدتی قبل بررسی‌هایی را شروع کرد تا در نهایت سال گذشته قرارداد ایجاد مرحله اول طرح حافظه رقمی ملی (حرم) را منعقد کرد. در این مرحله این سازمان آن بخش از دارایی‌های خود را که تضادی با حق پدیدآورنده ندارد و همچنین آثاری را که صاحبان حقوق آنها اجازه دهند، از طریق

کتابخانه ملی هر کشوری به مثابه نماد فرهنگی آن کشور اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. این نهاد در هر کشور دو وظیفه عمده دارد که عبارتند از: گردآوری، حفظ و اشاعه تمام آثار منتشر شده کشور خود؛ و گردآوری، حفظ و اشاعه تمام آثاری که درباره آن کشور به زبان‌های دیگر منتشر شده است. این دو وظیفه مسئولیت‌های سنگینی را در حوزه‌های مختلف متوجه کتابخانه ملی می‌سازد که مسئولان امر در گذر زمان سعی در فائق آمدن بر مسائل موجود و اجرای بهینه امور محوله دارند. علاوه بر آن با ظهور فناوری‌های نوین و لزوم استفاده از آنها از سوی کتابخانه ملی، به عنوان مادر همه کتابخانه‌ها، سنگینی بار مسئولان این نهاد دو چندان شده است. در حقیقت با توجه به گستردگی حجم فعالیت‌های کتابخانه ملی، اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های انجام گرفته، جاری و برنامه‌های آتی آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا و با هدف اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌های حال و آینده کتابخانه ملی، گفت‌وگویی با آقای علی اکبر اشعری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.



این سازمان آن بخش از دارایی‌های خود را که تضادی با حق پدیدآورنده ندارد و همچنین آثاری را که صاحبان حقوق آنها اجازه دهند، از طریق حافظه ملی رقومی در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد

حافظه ملی رقومی در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. برای تحقق این طرح از مدت‌ها پیش تبدیل رقومی کتاب‌ها و نشریات و سایر منابع کتابخانه‌ای به ترتیب قدمت زمانی آغاز شده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های برون‌سازمانی با شتاب بیشتری ادامه پیدا می‌کند. البته مرحله دوم طرح که مطالعات آن نیز تا حد مناسبی پیش رفته، ایجاد شرایطی است که مراکز پژوهشی و تولید و نگهداری اطلاعات بتوانند با حفظ حقوق خود فرصتی ایجاد کنند تا محققان از این طریق و با یک بار ورود به این پایگاه، اطلاعات موردنیاز خود را به‌دست آورند.

جدیدی به این مجموعه‌ها اضافه می‌شود؟

□ سازمان در بخش فراهم‌آوری، درکنار وظایف عمومی، در چند زمینه تکلیف قانونی خاص دارد که شامل آثار تولیدی داخل کشور یا ایرانیان در سراسر دنیا؛ آثار اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی به‌ویژه درباره انقلاب اسلامی که در کشورهای مختلف منتشر می‌شود؛ و تمام اسناد تولیدشده در دوایر حکومتی باسازوکاری که قانون معین کرده، می‌باشد. از اوایل تأسیس کتابخانه ملی در گردآوری مجموعه‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی تلاش‌هایی

■ سال گذشته شاهد افتتاح واحدهای مختلفی چون

کتابخانه نابینایان، کتابخانه کودک، کتابخانه عمومی و تالار دفاع مقدس بودیم که در کنار مجموعه‌های قدیمی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، خدمات کتابخانه ملی بیشتر گسترش پیدا کرد. سیاست کتابخانه ملی در این‌باره چیست و آیا مجموعه



که این ظرفیت در سازمان وجود دارد که مردم اسناد و کتب نفیسی را که در اختیار دارند، به صورت امانی بسپارند و ما از آنها نگهداری کنیم

صورت گرفته است؟ آیا اطلاع‌رسانی کافی از طریق رسانه‌های گروهی و اعتمادسازی لازم برای این امر صورت گرفته است؟

□ در این زمینه خوشبختانه سازمان موفق بوده است. در نخستین گام باید اعتمادسازی می‌شد. در اوایل حضور بنده در سازمان این صحبت‌ها مطرح بود که برای فروش اسناد و نسخ منحصر به فرد به سازمان‌های دولتی نمی‌توان اعتماد کرد یا اینکه آنها به‌روش‌های مختلف سعی می‌کنند که نسخه را از دست صاحب آن بیورند. اعتمادسازی به‌زمان نیاز داشت که خوشبختانه امروز این شرایط به‌وجود آمده است. برای انتقال اینگونه منابع به نقاط امن و همچنین برای اینکه پژوهشگران از دسترسی به آنها محروم نمانند، از طریق رسانه‌های داخلی و برون‌مرزی به مردم درباره اهمیت این میراث ارزشمند اطلاع‌رسانی کردیم و گفتیم که هر برگ از این کتاب‌ها و اسناد بخشی از شناسنامه ملت ما هستند و همه ما در قبال حفظ آن مسئولیم. برای این کار چهار روش را به صاحبان اینگونه آثار پیشنهاد کردیم. در مرحله اول از آنها خواستیم تا با اهدای آثار خود ضمن جلوگیری از نابودی حاصل از قرارگرفتن آنها در محیط غیراستاندارد و استفاده محققان، نام خود را به‌عنوان خادم فرهنگی جاودانه سازند که در این صورت همواره دعای خیر همه فرهنگ‌دوستان بدرقه راهشان خواهد بود؛ راه دوم فروش اینگونه آثار با قیمت توافقی؛ و راه سوم واسپاری امانی آنها به سازمان بود؛ راه چهارمی را هم برای آن دسته از اسناد و منابعی که به هر دلیل امکان انتقال آنها وجود ندارد، پیشنهاد کردیم و آن اینکه سازمان آمادگی دارد که ضمن مراجعه به محل و نمونه‌برداری از آثار خطی میزان خطر از بین رفتن و راه درمان آنها را به صاحبانشان گوشزد

صورت گرفته است که این حرکت همچنان ادامه دارد، اما به‌دلیل اهمیت انقلاب اسلامی و تأثیر شگرف آن در معادلات جهانی کتاب‌ها و مقالات بسیاری در داخل و خارج از کشور در این‌باره نوشته شده که مجموعه ارزشمند و موردنیاز پژوهشگران است که باید گردآوری شود. امسال هم‌زمان با روز آزادی خرمشهر بخشی از این مجموعه با عنوان آثار مرتبط با دفاع مقدس در سالن مستقلی طبقه‌بندی شد، اما از هم‌اکنون برآنیم تا در دهه فجر یکی از سالن‌های اصلی بخش ایران‌شناسی را به موضوع انقلاب اسلامی اختصاص دهیم که خوشبختانه شخصیت‌ها و سازمان‌هایی که تاکنون مطلع شده‌اند، آثار ارزشمندی را برای این کار در اختیار سازمان قرار داده‌اند.

■ به‌نظر می‌رسد که بخشی از کتاب‌های منتشرشده در طرح واسپاری کتاب، از جمله کتاب‌های سازمان‌های دولتی و ناشران مؤلف و نظایر آن، به کتابخانه ملی نمی‌رسد، آیا تدابیری در این خصوص اندیشیده شده است؟

□ به‌دلایل مختلف از جمله عدم اشراف مدیران به مجموعه قوانین و مقررات و برخی از اعمال سلیقه‌های شخصی، قانون واسپاری چه درباره کتاب و محصولات فرهنگی و چه درباره اسناد به‌خوبی اجرا نمی‌شود و این مسئله مشکلات بسیاری را برای همکاران ما به‌وجود می‌آورد. البته همکاران من در معاونت کتابخانه ملی و معاونت اسناد ملی تلاش می‌کنند که قانون واسپاری اجرا شود و تلاش‌ها بی‌نتیجه نبوده است، اما تا اجرای کامل قانون راه زیادی در پیش داریم.

■ با توجه به اهمیت نسخه‌های خطی چه اقداماتی برای جذب آنها در قالب خرید و اهدای مردمی

به‌دلایل مختلف از جمله عدم اشراف مدیران به مجموعه قوانین و مقررات و برخی از اعمال سلیقه‌های شخصی، قانون واسپاری چه درباره کتاب و محصولات فرهنگی و چه درباره اسناد به‌خوبی اجرا نمی‌شود



سازمان آمادگی دارد که ضمن مراجعه به محل و نمونه‌برداری از آثار خطی میزان خطر از بین رفتن و راه درمان آنها را به صاحبانشان گوشزد کند و در صورت تمایل فقط برای مداوا، آنها را به درمانگاه سازمان بسپارند

را به سازمان هدیه کردند. این موارد همچنان ادامه دارد. خوشبختانه مردم به این سازمان اعتماد دارند و نشانه این اعتماد هم حجم واسپاری‌هایی است که صورت می‌گیرد. سال گذشته با قرآنی در کشور آشنا شدیم که ارزش هنری بسیار زیادی دارد. دارنده این قرآن به‌رغم پیشنهاد مبالغ بالا از سوی برخی از کشورها آن را پایین‌تر از قیمت نهایی شده توسط خریداران خارجی به این سازمان واگذار کرد، صرفاً به دلیل اینکه نمی‌خواست این قرآن از کشور خارج شود و دیگر اینکه به کتابخانه ملی اعتماد پیدا کرده بود.

■ درباره مجموعه‌سازی اشاره کردید که تمام تلاش این است که همه آثار گردآوری و به کتابخانه ملی منتقل شود. اما تنها تعداد اندکی از اخبار، گزارش، و نظایر آنها که مراکز خبری و خبرگزاری‌ها تولید می‌کنند، در مطبوعات کار می‌شود یا برخی از طریق صدا و سیما پوشش داده می‌شود، میزان زیادی از آنها به صورت الکترونیک در سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها باقی می‌ماند یا مطالب الکترونیکی دیگری در پایگاه‌های فارسی موجود است که در

کند و در صورت تمایل فقط برای مداوا، آنها را به درمانگاه سازمان بسپارند. خوشبختانه این پیشنهادها با استقبال خوبی در داخل و خارج از کشور مواجه شد. به‌نحوی که در سال ۱۳۸۶ در مجموع ۳۴۲۲ برگ انواع سند و ۱۸۴ جلد کتاب خطی و ۳۶۲ جلد کتاب چاپ سنگی به سازمان اهدا شد. همچنین ۱۱۱۲۰۹ فقره انواع سند، ۱۹۰۴ کتاب خطی، ۲۳۳۵ کتاب چاپ سنگی و ۲۸۲ قطعه مرقعات از میان آثار ارائه‌شده، ارزشمند ارزیابی و خریداری شد. همچنین در همین سال همکاران ما در بخش مرمت، کتاب‌ها و اسناد بسیاری را آفت‌زدایی و مرمت کردند. البته موارد اهدایی به اینها خلاصه نمی‌شود. حتماً شما خبر اهدای مجموعه پنج‌هزار جلدی فهرست‌های نسخ خطی را از سوی آقای برازش به این سازمان شنیدید. ایشان بیش از ده سال برای گردآوری آنها زحمت کشیده‌اند. سال گذشته نیز یکی از استادان ایرانی مقیم پاریس مجموعه کتاب‌های خود را به کتابخانه ملی اهدا کردند. چندی پیش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که مطلع شدند، درصدد ایجاد تالار انقلاب اسلامی هستیم، تمام آثار خود و تعدادی کتاب‌های دیگر



من معتقدم که آموزش‌ها کامل نیست. انجمن می‌تواند آموزش را نقد کند و برای اصلاح محتوای دروس، طرحی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیشنهاد کند

نظرخواهی دوره‌ای
از مراجعان کتابخانه
ملی نشان می‌دهد،
همواره دوسوم
مراجعان برای
استفاده از فضای
مطالعه و یک‌سوم نیز
برای استفاده از منابع
مرجع به کتابخانه
ملی می‌آیند

این بخش ثابتند، در حالی که تعداد عناوین کتاب، هر سال افزایش می‌یابد. برای حل این مشکل طرحی تهیه شد تا به‌مرور از ظرفیت‌های بیرون سازمان هم استفاده شود. این طرح در نمایشگاه بین‌المللی کتاب امسال در جمع ناشران مطرح شد و هم‌اکنون همکاران در حال کارشناسی آن هستند تا در اجرا با مشکلی مواجه نشویم.

■ در حوزه ساماندهی مجموعه‌های شنیداری - دیداری، چه اقداماتی شده است؟ آیا فیبا درباره این مجموعه‌ها هم اجرا می‌شود؟

□ از بحث ثبت ملی شروع کردیم که تولیدکنندگان آثار دیداری - شنیداری باید شماره ثبت از کتابخانه ملی بگیرند. اما چون استفاده از این اقلام در همه کتابخانه‌ها معمول نشده است، کتابخانه ملی بیشتر آثار خود را فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی می‌کند و در حال حاضر این کار درباره گروه‌های مختلف انواع مواد غیرکتابی چون نقشه‌ها، عکس‌ها، نوارهای صوتی و حامل‌های چندرسانه‌ای دیگر اجرا می‌شود. اگر استفاده از این اقلام در همه کتابخانه‌ها معمول شود، باید اتفاقی که در بخش کتاب رخ داده، آنجا نیز رخ دهد. یعنی هم‌زمان با تولید اثر، فهرست انتشار آن تهیه و اثر منتشر شود تا همه کتابخانه‌ها بتوانند از استاندارد واحدی استفاده کنند.

■ بنده سال‌هاست که از خدمات کتابخانه ملی استفاده می‌کنم. در مراجعات اخیرم شاهد اضافه‌شدن گروه جدیدی از مراجعان به کتابخانه هستم که به‌احتمال زیاد حاصل اطلاع‌رسانی درست بوده است. تعریف شما از مخاطبان کتابخانه ملی چیست؟ و چه گروه‌هایی بیشتر از کتابخانه ملی استفاده می‌کنند؟

مواردی بسیار ارزشمند هستند. آیا کتابخانه ملی برای جمع‌آوری و نگهداری این منابع برنامه‌ای دارد؟

□ یکی از فعالیت‌های اصلی بخش فناوری‌های نوین اطلاعاتی توجه به همین موضوع است. همان‌طور که اشاره کردید، امروزه حجم زیادی از اطلاعات از طریق صفحات وب در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت موضوع همکاران ما در بخش فناوری اطلاعات یکی از برنامه‌های اصلی خود را در سال جاری به گردآوری اطلاعات موردنیاز موجود در شبکه‌های اطلاعاتی قرار داده‌اند.

■ یکی از خدمات اصلی کتابخانه ملی ایران تولید فهرست‌نویسی پیش از انتشار (فیبا) است. از بحث‌هایی که به‌تازگی مطرح شده، مسئله واگذاری فیبا به مؤسسات دیگر است. در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ شبیه این کار از سوی نهادهای مختلفی که همه دولتی بودند، اجرا شد، ولی کار به دلیل مشکلات مختلف دوباره به کتابخانه ملی برگشت. آیا در طرح جدید مشکلات قبلی بررسی و رفع شده است؟

□ در آغاز فعالیت بنده در سازمان در نشست‌هایی که در سازمان با ناشران داشتیم، برخی گله‌مند بودند که ما برای دریافت فیبا گاه تا دوماه منتظر می‌مانیم و اگر مدت‌زمان دریافت مجوز کتاب از وزارت ارشاد را به آن اضافه کنیم، عملاً زمان زیادی از انتشار کتاب در این چرخه‌ها سپری می‌شود و طبیعتاً تازگی محتوا دچار خدشه می‌شود. در جلساتی که با همکاران داشتیم، دیدیم که کار فهرست‌نویسی هم دشوار است. به همین دلیل و به‌رغم همه دشواری‌های موجود سعی شد که متوسط زمان صدور فیبا به یک هفته تقلیل یابد. البته این فرآیند هنوز هم با کندی پیش می‌رود، زیرا تعداد همکاران ما در

به همکاران آی. تی گفته‌ام که باید در اسرع وقت به بسیاری از نیازهای مراجعان از طریق اینترنت و به صورت نیمه‌حضوری پاسخ دهیم تا افراد نخواهند برای مطالعه تعداد محدودی از صفحات یک کتاب به اینجا بیایند

به اعتقاد ما کتابخانه ملی در سلسله مراتب کتابخانه‌های کشور در نقطه پایانی قرار دارد و می‌خواهد در خدمت عالی‌ترین سطح پژوهشگران و پژوهش‌های کشور قرار گیرد

□ نظرخواهی دوره‌ای از مراجعان کتابخانه ملی نشان می‌دهد، همواره دوسوم مراجعان برای استفاده از فضای مطالعه و یک‌سوم نیز برای استفاده از منابع مرجع به کتابخانه ملی می‌آیند. اوایل کار بنده روزانه حدود ۱۵۰ مراجعه‌کننده داشتیم، در حالی که براساس آمار جدید در یکی از روزهای اخیر (روز جمعه) ۱۷۵۰ نفر به این کتابخانه مراجعه کرده‌اند. البته نسبت یادشده هنوز به قوت خود باقی است، ولی تعداد مراجعان برای استفاده از منابع کتابخانه بیشتر شده است. اعضای کتابخانه انتظار دارند که از همه امکانات کتابخانه استفاده کنند. قبلاً عده‌ای که برای مطالعه کتاب‌های موردعلاقه‌شان به کتابخانه می‌آمدند، مشکلاتی داشتند، ولی بعد از راه‌اندازی تالار عمومی کتابخانه، آنها از این قسمت استفاده می‌کنند.

■ آیا کمبود جا را نمی‌توان با بالابردن سطح تحصیلات مراجعان برطرف کرد. برای مثال استفاده از کتابخانه برای دارندگان مدرک کارشناسی به بالا ممکن باشد؟

□ این کار شده است. الان دارندگان مدرک کارشناسی و بالاتر می‌توانند عضو کتابخانه ملی شوند. بنده به همکاران آی. تی گفته‌ام که باید در اسرع وقت به بسیاری از نیازهای مراجعان از طریق اینترنت و به صورت نیمه‌حضوری پاسخ دهیم تا افراد نخواهند برای مطالعه تعداد محدودی از صفحات یک کتاب به اینجا بیایند. از سوی دیگر پیشنهاد می‌کنیم که شهرداری در نقاط مختلف شهر تهران قرائت‌خانه ایجاد کند. ما فقط کتابخانه نمی‌خواهیم، خوابگاه‌های ما به قرائت‌خانه نیاز دارند. ما لاقلاً در هر منطقه به یک قرائت‌خانه نیاز داریم. خیلی از خانه‌ها کوچک است و فضای کافی برای مطالعه افراد در آن فراهم نیست. این است که هجوم به‌سوی کتابخانه‌ها زیاد می‌شود. در شهرستان‌ها نیز همین‌گونه است. به بوشهر رفته بودم و دیدم که مراجعان صبح زود برای مراجعه به کتابخانه صف می‌کشند، زیرا اگر دیر بیایند، جایی برای نشستن پیدا نمی‌کنند. اینها کاربر کتابخانه نیستند و ما نیازی نداریم که کتابخانه‌ها را با این هدف گسترش دهیم. می‌توان با هزینه کمتر قرائت‌خانه ایجاد کرد. کسی که می‌خواهد مطالعه کند، باید فضای آرامی داشته باشد. او می‌تواند به قرائت‌خانه برود. اگر می‌خواهد که کتابی مطالعه کند، ابتدا به کتابخانه مدرسه، عمومی و دانشگاهی مراجعه کند و

به اعتقاد ما کتابخانه ملی در سلسله مراتب کتابخانه‌های کشور در نقطه پایانی قرار دارد و می‌خواهد در خدمت عالی‌ترین سطح پژوهشگران و پژوهش‌های کشور قرار گیرد. اما به‌رحال نمی‌توان مانع از استفاده کسانی شد که می‌خواهند از فضای اینجا برای مطالعه استفاده کنند. کاری که این روزها در دستور کتابخانه ملی قرار دارد، این است که تصمیم گرفته‌ایم برای اینکه افراد با اطلاع قبلی از ظرفیت مطالعه به کتابخانه بیایند، به سمت رزرو اینترنتی صندلی پیش برویم. شرایط را به‌گونه‌ای فراهم می‌کنیم که افراد با تعیین سقف ساعتی بتوانند از مکان مناسب برای مطالعه بهره‌مند شوند و نفر بعدی بتواند جای او را بگیرد و از همان صندلی استفاده کند. برای محققانی که کارهای تعریف‌شده‌ای دارند، فضاها و اتاق‌های ویژه‌ای طراحی و ایجاد شده تا بتوانند بدون محدودیت زمانی از منابع کتابخانه ملی استفاده کنند. اگرچه



من احساس می‌کنم که آموخته‌های دانشجویان رشته کتابداری در پاسخ دادن به نیازی کتابخانه‌ها کم است. کتابدار فقط کارمندی نیست که یک سری کتاب را براساس رده دیویی و کنگره بر دارد و به مراجعه کننده بدهد

اگر نتوانست کتاب موردنظرش را پیدا کند، در نهایت برای رفع نیازش به کتابخانه ملی مراجعه کند.

■ با توجه به اینکه عضویت اینترنتی مطرح شد، اعضا می‌توانند بدون محدودیت به مجموعه‌ای از اسناد دسترسی پیدا کنند.

□ آنها می‌توانند با توجه به تعریفی که از سطح دسترسی به منابع می‌شود و مقرراتی که به حقوق صاحب اثر مربوط است، به منابع دسترسی پیدا کنند.

■ کتابخانه ملی انگلستان که اکثر کشورهای جهان عضو آن هستند، مجموعه‌ای خارج از مجموعه اصلی با نسخ اضافی دارد که آنها را امانت می‌دهد. البته این مقالات از قبل فتوکپی شده و آماده نیست، هر بار هر بخشی از کتاب یا مقاله کاملی از یک مجله که نیاز باشد، فتوکپی می‌شود. آیا لازم است که کل کتاب‌ها و کل مجلات از هم اکنون دیجیتالی شود؟ نمی‌توان هر بار هر کس که هر میزان نیاز داشت، دیجیتالی کنید و به او بدهید. نکته مهم این خواهد بود که با

این روش به حق مؤلف هم احترام گذاشته‌ایم. □ قطعاً اینگونه است و ما برای این کار برنامه‌ریزی کرده‌ایم. در آینده نزدیک اسکنرهای خاصی را در تالارها مستقر می‌کنیم که مراجعان بتوانند در حد چند صفحه از کتاب را اسکن کنند و روی لوح فشرده یا فلش خود ذخیره کنند و دیگر نیاز نیست که کتابدار این کار را انجام دهد. ما تلاش می‌کنیم تا حداکثر ظرفیت و امکانات مدرن را برای راحت کردن، روان‌سازی و بالابردن سرعت به کار ببریم. به همکاران هم گفته‌ام که در هر سفر خارجی که از کتابخانه‌ای که بازدید می‌کنند، باید یک دستاورد ارزشمندی را که بتواند عملیاتی شود، برای کتابخانه خودمان به‌ارمغان بیاورند. طوری نباشد که ما مراجعه و از کارهای صورت گرفته بازدید کنیم،



در آینده نزدیک اسکنرهای خاصی را در تالارها مستقر می‌کنیم که مراجعان بتوانند در حد چند صفحه از کتاب را اسکن کنند و روی لوح فشرده یا فلش خود ذخیره کنند و دیگر نیاز نیست که کتابدار این کار را انجام دهد

کتابخانه‌های بزرگ دنیا برای استفاده از امکانات یکدیگر، تغذیه محتوایی و تعامل‌های علمی - فرهنگی به ارتباط با یکدیگر نیاز دارند

مراکز علمی - فرهنگی نظیر کتابخانه‌ها همانند موجودات زنده‌ای هستند که از طریق تعامل با محیط پیرامون، حیاتشان را ادامه می‌دهند. اگر اینها در فضای بسته بمانند، از بین می‌روند. کتابخانه‌های بزرگ دنیا برای استفاده از امکانات یکدیگر، تغذیه محتوایی و تعامل‌های علمی - فرهنگی به ارتباط با یکدیگر نیاز دارند. کتابخانه ملی طی این مدت تفاهم‌نامه‌هایی را امضا کرده است که همه این موارد را در بردارد. از این طریق مخازن و منابع یکدیگر را تکمیل می‌کنیم، به‌ویژه ما منابع دیگران را با کتاب‌های حوزه ایران و انقلاب اسلامی کامل می‌کنیم. آنها نیز سعی می‌کنند تا خودشان را به ما معرفی کنند و در حوزه‌های مختلف علمی اطلاعاتشان را با ما مبادله کنند. با توجه به نوع کارهایی که تاکنون شده، اقبال خیلی خوبی نسبت به این سازمان در خارج از کشور ایجاد شده است. به نظر من این توفیقی است که کتابخانه ملی با اقبال کتابخانه‌های بزرگ کشورهای دیگر روبه‌رو شده است. اگر بخواهیم به همه دعوت‌نامه‌هایی که ارسال می‌شود، پاسخ دهیم، باید بیشتر از نصف سال را مسافرت کنیم. خیلی از کارها را به‌صورت غیرحضوری انجام می‌دهیم یا از آنها دعوت می‌کنیم که به ایران بیایند.

■ در این راستا سال‌ها پیش کنفرانسی در تهران برگزار شد که کتابداران کشورهای اسلامی در آن شرکت کردند. کتابخانه ملی در زمینه سمینار کتابداران کشورهای اسلامی (کاملیس) در آن زمان بیشتر فعال بود. فکر می‌کنم می‌توان کاملیس را احیا کرد و با کمک کتابخانه ملی انجمن کتابداران کشورهای فارسی‌زبان مانند ایران، افغانستان و تاجیکستان را تشکیل داد تا ارتباط و تعامل بیشتر

ولی در کارمان هیچ تأثیری نداشته باشد.

■ من تجربه خودم را در دانشگاه تهران می‌گویم چون در تالار برای مطالعه جا نبود، تصمیم گرفتیم که بوفه‌ای برای مراجعان ایجاد کنیم تا ضمن نوشیدن چای، گروهی درس بخوانند و دیگر محل تالار جای صحبت کردن و مطالعه درسی نباشد. این کار فایده‌ای نداشت. قرائت‌خانه ایجاد کردیم و در تالار اطلاع‌رسانی کردیم که اگر کسی می‌خواهد مطالعه کند، به قرائت‌خانه برود، ولی نتیجه‌ای نداشت. □ در تالارهای مطالعه می‌توان با ایجاد بخش کتاب‌های مرجع و استفاده‌ای که از آنها می‌شود، جذابیت ایجاد کرد. کسی که به کتابخانه مراجعه می‌کند، نمی‌تواند همه کتاب‌ها را با خود به تالار بیاورد، یک یا دو کتاب مرجع موردنیاز خود را می‌آورد. به‌نظر من در حد نیاز مراجعان می‌توان تالار قرائت‌خانه‌ها را به کتاب‌های مرجع عام مجهز کرد تا نیاز مراجعان برطرف شود. البته ما این مشکل را در کتابخانه ملی نداریم و تالارها بسیار آرام است و مراجعان رعایت می‌کنند. مشکل ما این است که ظرفیت کامل حدود ۱۵۰۰ نفر است و وقتی یک نفر اضافه می‌شود، همکاران نگران می‌شوند که او راه زیادی آمده و جایی برای مطالعه او نیست.

■ در سال‌های اخیر شاهد تلاش ارزشمندی در معرفی کتابخانه ملی به کشورهای دیگر و مسئولان سایر کتابخانه‌های جهانی بودیم. آیا این فعالیت‌ها با هدف شناساندن کتابخانه ملی به دیگران بوده یا اهداف دیگری برای توسعه کتابخانه ملی مدنظر است؟

□ کتابخانه ملی، نماد علمی - فرهنگی کشور است و قضاوت درباره کشور را سامان می‌دهد. دوم اینکه



کتابدار در کشور ما هویت خود را به خوبی پیدا نکرده است و این تلقی وجود دارد که اگر کسی می‌خواهد در کتابخانه کار کند، لزوماً نباید کتابداری خوانده باشد

شود. انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز می‌تواند در این زمینه‌ها به کتابخانه ملی کمک کند... آیا در این زمینه‌ها برنامه خاصی دارید؟

□ هرچقدر بتوانیم روابط خود را در این زمینه بیشتر کنیم، بهتر است. به خصوص اگر به یک استاندارد مشترک دست یابیم، از جهات مختلف سودمند خواهد بود. به همین دلیل سال گذشته نشست رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو در تهران برگزار و با استقبال زیادی روبه‌رو شد. ما در سفرهایمان به ترکیه، قزاقستان و قرقیزستان با ارتباطاتی که تاکنون داشتیم، دیدیم که آنها نیز رویکرد مثبتی دارند. از طریق مرکز سازمان اکو در تهران و وزارت امور خارجه نیز این موضوع دنبال می‌شود. بحث کتابداران کشورهای اسلامی را نیز دنبال می‌کنیم. ما می‌توانیم در موضوع‌هایی مانند گسترش رده‌ها در حوزه اسلام، مبادله اطلاعات، آموزش و تحقیقات با یکدیگر ارتباط داشته باشیم و علاقه داریم که این کار انجام شود. در بخش اسناد نیز ما محور سواربیکا (اتحادیه جنوب غربی آسیا) هستیم که ایران، هند، پاکستان، بنگلادش، سیلان و نپال عضو آن هستند. در مورد کشورهای اسلامی نیز همین کار را خواهیم کرد. در حوزه خبر هم اتحادیه خبرگزاری‌ها و اتحادیه خبرنگاران را داریم. اینها می‌توانند شکل بگیرند و کمک کنند تا هدف کلی محقق شود.

■ در سال ۱۳۵۳ که دانشجوی کتابداری بودم، یکی از چیزهایی که در دانشکده علوم تربیتی تهران با آن آشنا شدم، انجمن دوستداران کتاب بود و فهمیدم که ایرج افشار و همکاران ایشان این انجمن را برای ترویج کتاب و کتابخوانی راه‌اندازی کرده‌اند و مطالب ساده درباره عادات خواندن منتشر

می‌کنند. کتابخانه ملی در این زمینه می‌تواند فعال شود یا می‌تواند کسانی را دعوت کند که جزوهای ترویجی یا کتاب‌هایی بنویسند که همه استفاده کنند یا همانند مؤسسات خاصی مثل خانه کتاب نشست‌های تخصصی و ترویجی برگزار کند.

□ ما از این نوع طرح‌ها استقبال می‌کنیم و شما می‌توانید کمک کنید تا اجرا شود. سال‌هاست که درباره این مشکل همه فکر می‌کنند. ما جلسات کارشناسی بسیاری برگزار کردیم و نتیجه پژوهش‌ها را منتشر کردیم. یک مجموعه باید در کشور ایجاد شود تا به این مسائل رسیدگی کند. یک نهاد نمی‌تواند متولی این اقدامات باشد. در واقع به عزم ملی نیاز هست. از خانواده‌ها باید شروع کرد. پدر و مادرها همان‌طور که فکر می‌کنند که برای فرزندشان غذا لازم است، به فکر تغذیه روحی آنها نیز باشند. تجربه نشان داده که در خانواده‌هایی که پدر و مادر اهل مطالعه‌اند و قفسه کتاب در خانه وجود دارد، بچه‌ها با کتاب در خانه انس می‌گیرند. به سراغ قفسه می‌روند، آنها را ورق می‌زنند و این جرقه‌ای می‌شود تا کتابخوانی اتفاق بیفتد.

عامل دوم مدرسه است. نظام آموزشی ما اشکالات زیادی دارد. من در جمع معلمان گفتم که معلم موفق کسی است که پس از پایان ترم تحصیلی، دانش‌آموز او کتابش را دور نیندازد. برای علاقه‌مند کردن او به کتاب باید کاری کنیم تا حلاوت و شیرینی مطالعه در کام او باقی بماند. من به وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم پیشنهاد می‌کنم که فرآیند آموزش را به فرآیند پژوهش تبدیل کنند، یعنی پژوهش محوری به جای آموزش محوری باشد. به عبارت دیگر معلمان ما در کلاس، معلم راهنما باشند و نه معلمی که مفاهیمی را که در ذهن خود دارد، به ذهن دانش‌آموز منتقل کند. دانش‌آموز با شیوه پژوهش محوری در



تمام طول ترم تحصیلی فعال و درگیر مطالعه است و چون خودش پژوهش می‌کند، شیرینی و لذت کار را می‌برد و در طول تحصیل نیز کتاب‌های زیادی خوانده و چون در دوره تحصیل عادت کرده است، مطالعه را ادامه می‌دهد. نهادهای دیگر نیز باید فعال باشند.

از سوی دیگر نظام اطلاع‌رسانی و توزیع ما فلج است. الان وقتی یک کتاب منتشر می‌شود، ناشر فقط خود متوجه چاپ آن می‌شود. ما چه انتظاری داریم که همه آن را بخرند. وقتی کتاب منتشر می‌شود، چون ما شبکه توزیع مناسبی نداریم و کتاب‌ها تبلیغ نمی‌شود، کسی از آن مطلع نمی‌شود و در نتیجه به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد. در این زمینه‌ها مشکل داریم. در زمینه تولید نیز مشکل داریم. برخی از اوقات، تولید کتاب متناسب با نیاز مخاطب نیست، خیلی از کتاب‌ها رونویسی است و حرف و ایده نوبی را مطرح نمی‌کند. اگر به همین نمایشگاه کتابی که چندی پیش برگزار شد، نگاه کنیم، می‌بینیم که خیلی از کتاب‌ها تکراری است. در زمینه آماده‌سازی کتاب نیز مشکل داریم، از عنوانی که برای کتاب انتخاب می‌کنند گرفته تا طراحی، صفحه‌آرایی و چاپ همه دچار کاستی و نقص است. به هر حال خیلی از افرادی که کتاب می‌خرند، جاذبه‌های بصری در خریدشان نقش دارد. به همه عوامل انگیزشی باید توجه کرد؛ رسانه ملی می‌تواند بسیاری از تولیداتش را بر مبنای کتاب قرار دهد. موفق‌ترین فیلم‌های دنیا بر اساس رمان‌های قوی ساخته شده‌اند. طبیعتاً وقتی آن فیلم را نگاه می‌کنید، رمانش را هم می‌خوانید و حس و حال دیگری پیدا می‌کنید. من همیشه گفته‌ام که کتاب غایت و هدف ما نیست. کتاب یک پنجره است. هر کتاب جدیدی که می‌خوانیم باید دنیای جدیدی را به سوی ما باز کند تا به سوی افق‌های

جدید برویم.

زمانی که آقای دکتر احمدی‌نژاد شهردار بود، من خدمت ایشان عرض کردم که یکی از مشکلات کتابخوانی، فقر کتابخانه‌هاست. آن زمان کتابخانه‌های عمومی و مدارس کشور بسیار فقیر بودند که طرح یاد یار مهربان را ارائه کردم که با استقبال مواجه شد و خوشبختانه از آن زمان حجم زیادی از کتاب‌های جدید به کتابخانه‌های مدارس اضافه شد و کتابخانه‌های مدارس رونق یافت.

■ کتابخانه‌های ملی دنیا علاوه بر خدمت‌رسانی به عموم مردم، به گروه خاصی نیز خدمات فنی و حرفه‌ای ارائه می‌دهند، به‌طور مشخص خدماتی برای کتابخانه‌های کشور خود دارند و ارتباط ارگانیک کتابخانه‌های کشور با کتابخانه‌های ملی زیاد است. سیاست کتابخانه ملی در این باره چیست؟ البته کتابخانه ملی از سال‌های قبل در زمینه استانداردسازی، خدمات شایانی کرده است. درباره اینکه کتابخانه ملی باید پرچمی باشد که سایر کتابخانه‌ها زیر آن جمع شوند، چه نظری دارید؟

□ مشکلی که وجود دارد این است که همه از استانداردهای کتابخانه ملی استفاده نمی‌کنند. یکی از دلایل آن عدم مداخله و مشارکت همه اقشار ذی‌صلاح در تدوین استانداردهاست. ما چند تجربه خوب داریم که یکی از آنها ساماندهی نشریات کشور است که آقای سیدفرید قاسمی آن را تشکیل دادند. اعضای این شورا، مسئولان بخش نشریات کتابخانه‌های بزرگ کشور هستند و تشکیل شورا ثمرات زیادی داشته است و همه معتقدند که این شورا باید به کارش ادامه دهد، یا تشکیل کمیته ملی حافظه جهانی که اعضای آن مسئولان کتابخانه‌های بزرگ هستند، تجربه دیگری است

وقتی کتاب منتشر می‌شود، چون ما شبکه توزیع مناسبی نداریم و کتاب‌ها تبلیغ نمی‌شود، کسی از آن مطلع نمی‌شود و در نتیجه به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد

من به آموزش و پرورش و وزارت علوم پیشنهاد می‌کنم فرآیند آموزش را به فرآیند پژوهش تبدیل کنند. یعنی پژوهش محوری به جای آموزش محوری باشد



تجربه نشان داده
است در خانواده‌هایی
که پدر و مادر اهل
مطالعه‌اند و قفسه
کتاب در خانه وجود
دارد، بچه‌ها خود به
خود با بودن کتاب در
خانه انس می‌گیرند

فکر می‌کنم که این انجمن است که می‌تواند به کتابداران در کشور هویت ببخشد. کتابدار در کشور ما هویت خود را به‌خوبی پیدا نکرده است و این تلقی وجود دارد که اگر کسی می‌خواهد در کتابخانه کار کند، لزوماً نباید کتابداری خوانده باشد، کسی که اطلاعات عمومی درباره کتاب‌ها دارد و دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی یا ادبیات است، با یک دوره آموزش کوتاه‌مدت می‌تواند کتابدار شود.

من گاهی که با دانشجویان کتابداری گفت‌وگو می‌کنم، احساس می‌کنم این است که خود دانشجویان نیز توجیه نیستند و ناامید هستند. یکی از کارهایی که انجمن می‌تواند انجام دهد، این است که این مشکل را آسیب‌شناسی و بررسی کند. آیا محتوای درسی، مهارت، سطح افرادی که به این رشته وارد شده‌اند، دلیل این امر است یا نحوه استخدام، یعنی آن گروه و پایه‌ای که می‌دهند، انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند. انجمن با استفاده از شرایطی که دارد، از همه ظرفیت‌های موجود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه ملی، دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های کشور کمک بگیرد و مسئله را حل کند. به حرف‌های بنده، نه به‌عنوان کارشناس بلکه به‌عنوان فردی که مسائل جامعه را دنبال می‌کند و با فرهنگ هم ارتباط دارد، باید توجه کرد. من احساس می‌کنم که آموخته‌های دانشجویان رشته کتابداری در پاسخ‌دادن به نیاز کتابخانه‌ها کم است. کتابدار فقط کارمندی نیست که کتاب‌ها را براساس رده دیویی و کنگره منظم کند و آنها را به مراجعه‌کننده بدهد. کتابدار مثل کسی که در داروخانه کار می‌کند، هم می‌تواند فقط اسم داروها را یاد بگیرد و نسخه بپیچد و هم می‌تواند پزشک داروساز باشد که بیماران را نیز علاوه بر پیچیدن نسخه، راهنمایی کند. یک کتابدار باید راهنمای

که در اثر آن آثار ارزشمند ایرانی برای ثبت در زمره آثار جهانی به یونسکو معرفی شود. تجربه سوم هماهنگی فهرست‌نویسی نسخ خطی است که اولین جلسه آن برگزار شده و دومین جلسه آن در تیرماه برگزار خواهد شد. در جلسه هماهنگی فهرست‌نویسی مطرح شد که درست نیست که در کشور هر فهرست‌نویسی از یک روش استفاده کند. این جلسات باعث حرکت فهرست‌نویسان به سمت استاندارد است که مدنظر شماس است. اگر این روش جواب داد، درباره سایر حوزه‌ها از این روش استفاده خواهیم کرد تا به جمع‌بندی برسیم و استانداردسازی کنیم.

■ کتابداران از کتابخانه ملی، به‌عنوان یک سازمان رسمی بزرگ دولتی، که توانایی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری دارد، انتظار دارند تا این قشر را بیشتر کمک کند. برای نمونه انتظار دارند قانونی در زمینه استخدام کتابدار تصویب شود تا در پست کتابدار، غیرکتابدار استخدام نشود، زمانی که هیئت امنای کتابخانه عمومی کشور می‌خواهد کتابدار استخدام کند، فارغ‌التحصیل رشته کتابداری را استخدام کند. وقتی در کشور دکتر کتابداری تربیت می‌شود و کتابخانه ملی حتی در زمینه آموزش کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد مشارکت دارد، آیا واقعاً حرفه کتابداری آنقدر تخصصی نیست که هنوز در بسیاری از موارد استخدام غیرکتابدار برای پست کتابداری مشاهده می‌شود؟

□ در جلسه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور من این بحث را مطرح کردم که در کتابخانه‌های عمومی اولویت با استخدام فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری باشد. من انتظار پی‌گیری و جدیت بیشتری از انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی دارم.



کتاب غایت و هدف ما نیست. کتاب یک پنجره است. هر کتاب جدیدی که می‌خوانیم باید دنیای جدیدی را به سوی ما باز کند تا به سوی افق‌های جدید برویم

سیستم آموزشی ما اشکالات زیادی دارد. من در جمع معلمان گفتم که معلم موفق کسی است که پس از پایان ترم تحصیلی، دانش‌آموز کتاب او را دور نیندازد

می‌دهم، ولی باید فکری به حالا فارغ‌التحصیلان این رشته شود و به آنها انگیزه داده شود. آنها را باید استخدام کرد و اگر لازم است دوباره آموزش داد. به‌عنوان مطلب پایانی، اگر نظام اطلاع‌رسانی ملی محقق نشود، جریان درست اطلاعات و اشتراک منابع نیز محقق نخواهد شد. با توجه به اینکه کتابخانه ملی یکی از بازوهای اصلی و قوی اطلاع‌رسانی کشور است، آیا اقداماتی پیش‌بینی شده است که نظام‌های ملی پراکنده در وزارت جهاد کشاورزی، آموزش عالی یا جاهای دیگر سامان‌دهی شود؟

□ در یکی دو سال اخیر که من عضو شورای اطلاع‌رسانی بودم، این جلسه یک‌بار بیشتر برگزار نشده است. یکی از مشکلات ما به دلیل عدم پی‌گیری‌های لازم یا فعال نبودن این شوراهاست که باعث می‌شود زمان را از دست بدهیم و گرنه همه کسانی که دغدغه اطلاع‌رسانی دارند، می‌خواهند روی بحث تجمع اطلاعات کار شود. یکی از مشکلات موجود، خرید منابع الکترونیکی از خارج از کشور است. همه هزینه می‌کنند و منابع تکراری می‌خرند و افتخار هم می‌کنند. زیرا نگاه‌ها، جزیره‌ای است و ملی نیست. امیدوارم که به این مسئله رسیدگی شود و شورای عالی اطلاع‌رسانی نهادی را محور این کار قرار دهد، یا خودش محور شود. ولی ما معتقدیم به دلیل اینکه کتابخانه ملی محور این ماجراست و حافظه ملی کشور را در اختیار دارد، بهترین مکان برای این کار است. ولی در عین حال صورت‌گرفتن این امر مهم است و اینکه متولی چه کسی باشد، چندان مهم نیست.

■ بسیار سپاسگزارم که در این گفت‌وگو شرکت کردید

مطالعه‌کننده باشد، من در کتابخانه شهرداری و در جمع کتابداران گفتم که کتابدار باید آنقدر جاذبه داشته باشد که هیچ مراجعه‌کننده‌ای دست خالی و مایوس بیرون نرود. برای رسیدن به این حد، به اطلاعاتی نیاز هست که در دانشگاه‌های ما تدریس نمی‌شود. الان دانشجویان ما چقدر با ادبیات روز یا حوزه کتاب‌های عمومی آشنا هستند؟ آشنایی خیلی کم است. در یکی از کتابخانه‌های تهران که کتابدار خیلی خوبی مشغول کار بود، پرسیدم که چرا فلان کتاب جدید را معرفی نمی‌کنید، گفت که از چاپ آن کتاب اطلاعی ندارد. کتابداری مثل جناب آقای حایری خودشان یک کتابخانه بودند و فرد را از نظر راهنمایی اقناع می‌کردند. من معتقدم که آموزش‌ها کامل نیست. انجمن می‌تواند آموزش را نقد کند و برای اصلاح محتوای دروس، طرحی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیشنهاد کند. باید نواقص را پیدا کنیم و برای آن راه‌حل ارائه دهیم. این کاری است که انجمن می‌تواند انجام دهد.

■ انجمن برخی از این آسیب‌شناسی‌هایی را که شما فرمودید، انجام داده و بحث تغییر دروس در دو سه نوبت صورت گرفته، ولی بازسازی و روزآمدسازی بیشتر به دلیل تغییرات فناوری و به وجود آمدن مباحث جدید، در دروس فنی بوده است. همان‌طور که فرمودید اصل مشکل به کتابدار کتاب‌نخوان و ایرانی کتاب‌نخوان برمی‌گردد. من هم کتابداری چون آقای حایری و آقای فانی را می‌شناسم که وقتی نزدشان می‌رفتیم، راهنمایی‌های گوناگون و فراوانی می‌کردند، ولی هرچه جلوتر می‌رویم، دانشجویان سطحی‌تر می‌شوند. آنچه من از شما می‌خواستم سؤال کنم کمک کتابخانه ملی به کتابداران بود. من درخصوص کم‌خوانی کتابداران کاملاً حق را به شما